

افلاک

مست گردان جلال توست



گردش فرشتگان مقرب بر دور عرش الهی

یاران حضرت محمد؛ یا رسول اللّه، آیا خدا با چیزی از خلقش جز آسمان‌ها پنهان شده است؟ فرمود: آری میان او و فرشته‌های گرد عرش ۷۰ پرده از نور است، و ۷۰ پرده از ظلمت، ۷۰ پرده از آویزهای دیبا، ۷۰ پرده از آویزه‌های سندس، ۷۰ پرده از در سفید، ۷۰ پرده از در سرخ، ۷۰ پرده از در زرد، ۷۰ پرده از در سبز، ۷۰ پرده از روشنی، ۷۰ پرده از برف، ۷۰ پرده از آب، ۷۰ پرده از تگرگ، ۷۰ پرده از عظمتی که وصف نشدنی است



از امام هفتم علیه‌السلام آمده است: ای کسی که فرشته‌ها از نور افروخته‌اش، گرد کرسی و عرشش ترسانند، که صف‌بسته، تسبیح‌گو، طواف‌کننده، خاضع، و گوش به فرمان‌اند. روایت شده که فردی شامی از امام سجاد علیه السلام از آغاز وضو سؤال کرد، امام فرمود: خداوند تبارک و تعالی خطاب به فرشتگان فرمود: «إنی جاعل فی الأرض خلیفة»، {من بر زمین جانشینی خواهم گماشت.} فرشتگان از خشم پروردگارشان ترسیدند، از این رو به گرد عرش هر روز سه ساعت از روز طواف می‌کردند و تضرع و زاری می‌کردند. و فرمود: خداوند به آنان فرمان داد که به کنار رودی جاری به نام حیوان‌که در زیر عرش قرار داشت روند و وضو بگیرند



ماری گرد مانند بر دور عرش بزرگ

خدای تعالی عرش را آفرید، با خود گفت: خدا آفریده‌ای بزرگ‌تر از من نیافریده است. خدا ماری گرد آن چرخاند که هفتاد هزار بال داشت و در هر بالی هفتاد هزار زبان و هر روز به شمار قطره‌های باران و برگ‌های درختان و ریگ‌ها و خاک‌ها و شماره روزهای جهان و همه فرشتگان تسبیح از دهان‌های او بر می‌آمد. او دور عرش پیچید و عرش تا نیمه آن بود

در پاسخ به سؤال عبد اللّه بن سلّام آورده است که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله فرمود: و امّا شانزده، منظور از آن، شانزده صف از فرشتگان است که گرد عرش حلقه زده‌اند و این کلام خداوند متعال است که فرمود: حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ



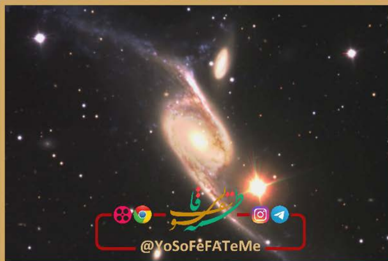


عظمت آفریدگار در آفرینش کائنات

رازی در تفسیر خود روایت کرده که شمار بنی آدم یک دهم جنیان هستند، و جنیان همه یک دهم جانداران بیابان، و آنان همه یک دهم پرنده‌ها، و آنان همه یک دهم جانداران دریا، و آنان همه یک دهم فرشته‌های گماشته بر زمین، و آنان همه یک دهم فرشته‌های آسمان دنیا، و آنان همه یک دهم فرشته‌های آسمان دوم، و به همین ترتیب تا آسمان هفتم، سپس همه در برابر فرشته‌های کرسی کمتر واندک هستند. سپس همه آنان یک دهم فرشته‌های یک سراپرده از سراپرده‌های عرشند که تعداد آن‌ها ششصد هزار است. و چون درازای هر سراپرده و پهنا و بلندیش با آسمان‌ها و زمین‌ها و آن‌چه در آن‌ها و میان آن‌ها است سنجیده شود، همه این‌ها در برابرش‌اندکند، واندازه کوچکی و به‌اندازه جای پایی در آن نیست جز این‌که فرشته ای در آن به سجده است یا در رکوع، و یا بر سر پا ایستاده و زمزمه کنان مشغول به تسبیح و تقدیس

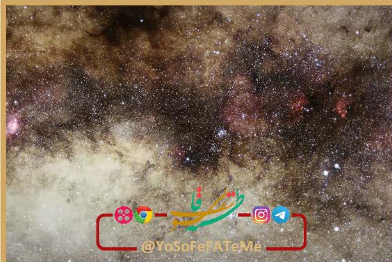


سپس همه اینان در برابر فرشته‌ها که گرد عرش می‌گردند، مانند یک قطره هستند در دریا و تعدادشان را جز خدا نمی‌داند، سپس با این‌ها است فرشته‌های لوح که پیروان اسرافیل‌اند، و فرشته‌هایی که سپاهیان جبرئیل‌اند، و همه شنوا و فرمانبردارند و سستی ندارند، و مشغول عبادت و پرستش خدای سبحان هستند، و زبانشان به ذکر و تعظیمش گشوده است واز روزی که آفریده شدند، به هم در آن پیشی می‌گیرند. در آنات و لحظات شب و روز از پرستش او تکبر نمی‌ورزند و خسته نمی‌شوند. اجناس آن‌ها شماره ندارند، و نه مدت عمرشان، و نه کیفیت عباداتشان، و این است تحقیق حقیقت ملکوتش جل جلاله



گردانندگان عرش

پیامبر خدا فرمودند: خداوند کسی را برتر از من نیافرید و هیچ‌کس نزد او برتر از من نیست. علی علیه السلام فرمود: گفتم یا رسول اللّٰه، تو برتری یا جبرئیل علیه السلام. فرمود: ای علی، خداوند پیامبر مرسل خود را بر ملائکه مقرب خود برتری داده است و مرا بر همه پیامبران مرسل برتری داده است و بعد از من تویی که برتری و ائمه بعد از تو نیز چنین هستند. ملائکه خادمان ما و خادمان محبان ما هستند. ای علی، کسانی که عرش را حمل می‌کنند و آن‌ها که گرد آن هستند، به حمد خدای خویش مشغولند و تسبیح می‌گویند و برای کسانی که به ولایت ما ایمان آوردند، استغفار می‌کنند



گردانندگان عرش

ای علی، اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا و بهشت و دوزخ و آسمان و زمین را نمی‌آفرید. چگونه برتر از ملائکه نباشیم در حالی که در معرفت خداوند بر آن‌ها پیشی گرفته‌ایم. هم‌چنین در تسبیح و تقدیس او نیز چنین بوده‌ایم، چرا که اولین مخلوق خداوند ارواح ما بوده که ما را به توحید و تمجید و حمد خود گویا کرد. سپس ملائکه را آفرید و آن‌گاه که ارواح ما را چون نوری یک پارچه مشاهده کردند، ما را گرامی داشتند. پس ما تسبیح گفتیم تا ملائکه یاد بگیرند که ما آفریدگان خداییم و او منزه از صفات ماست و ملائکه با تسبیح ما تسبیح گفتند. با ما هدایت شدند و معرفت توحید خدا و تسبیح و تهلیل و تحمید و تمجید خدا را آموختند



سپس ظلمت و تاریکی همه جا را فرا گرفت. فرشتگان به خدا شکایت کردند: «خدایا! این تاریکی را از ما برطرف کن». پس خداوند، کلمه ای فرمود و از آن کلمه، روحی را خلق کرد. سپس کلمه ای فرمود و از آن کلمه هم، نوری خلق کرد. آن نور، روشنایی داد [و اضافه شد] به آن روح. خداوند، او را در جایگاه عرش جا داد. پس همه جا روشن شد. آن، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است؛ به همین دلیل، «فاطمه» را «زهرا» نامیدند؛ چون به واسطهِ نور او، آسمان‌ها روشن شد

امام جعفر صادق فرمود: ای ابو یحیی! در شب‌های جمعه مقامی والا برای ما هست. عرض کردم: فدایتان شوم! آن مقام چیست؟ فرمود: برای ارواح پیامبرانِ درگذشته و ارواح اوصیاءِ درگذشته و روح وصی ای که در میان شماست اذن صادر می‌شود و همه را به آسمان فراز می‌برند تا بر عرش پروردگارشان برآیند. این چنین آن‌ها هر هفته عرش را طواف می‌کنند و کنار هر یک از پایه‌های عرش دو رکعت نماز می‌خواندند و سپس سوی تن‌هایی که در آن‌ها بوده‌اند باز می‌گردند. آن‌گاه انبیاء و اوصیاء در حالی صبح را آغاز می‌کنند که لبریز از سُرورند و وصی که در میان شماست در حالی صبح را آغاز می‌کند که حجم انبوهی بر دانشش افزوده شده است

یوسف فاطمه





کعبه آسمانی

کهکشان‌ها در شکل‌های گوناگونی دیده می‌شوند و در کل سه نوع برای ما دارند: مارپیچی، بیضی شکل و بی‌نظم. جهت باز شدن این مارپیچ‌ها برخلاف چرخش عقربه‌های ساعت و هماهنگ با جهت طواف کعبه است

کهکشان‌ها در شکل‌های گوناگونی دیده می‌شوند ولی در کل سه نوع اصلی برای ما دارند: مارپیچی، بیضی شکل و بی‌نظم. جهت باز شدن این مارپیچ‌ها برخلاف چرخش عقربه‌های ساعت و هماهنگ با جهت طواف کعبه است. یکی از ویژگیهای مهم کره زمین وجود خاصیت آهنربایی آن است و مانند این است که درون کره زمین آهنربایی قرار داده شده است.آخرین نظریه اینست که درون کره زمین مواد مذاب در حال حرکت وجود دارد و بیشتر این مواد از جنس آهن و نیکل هستند. هنگامی که این مواد حرکت می‌کنند، در اطراف جریان‌های الکتریکی ضعیفی بوجود می‌آورند که در مجموع باعث میشود در کره زمین میدان مغناطیسی بوجود آید. در واقع ما روی آهنربایی بنام زمین زندگی می‌کنیم. خاصیت مغناطیسی کره زمین نقش بسیار مهمی در جهت یابی کشتی‌ها و هواپیماها دارد. اینکه ما می‌توانیم از هر جای زمین جهت قرارگیری کعبه را بوسیله «قبله نما » تشخیص دهیم بدلیل وجود همان امواج مغناطیسی قوی می‌باشد. میدان مغناطیسی زمین همانند پوست پیازی، کره خاکی ما را دربر گرفته است که این میدان مغناطیسی زمین، کره ما را از طوفان‌های خورشیدی و تشعشعات فضایی حفظ می‌کند. حال اگر کسی در جهت صحیح این میدان مغناطیسی قرار بگیرد میدان مغناطیس بدنش بر میدان مغناطیس زمین منطبق می‌گردد و آن ثمرات شگرف را، برای فرد خواهد داشت. در ضمن این هسته مرکزی زمین، وقتی به پوسته می‌رسد کاملاً با کعبه منطبق می‌باشد. کعبه محل عبور بیشترین تعداد خطوط انرژی روی زمین است. کعبه قویترین انرژی روی زمین را منتشر می‌کند و انتقال می‌دهد. جالب است بدانید که انرژی کعبه به روشی متفاوت جریان پیدا میک‌ند. حرکت این انرژی در جهت عکس عقربه‌های ساعت است.

اما معنای طواف و چرخیدن و بودن در آن مدار به دور کعبه، بخاطر وجود بالاترین میزان انرژیِ کره زمین در آنجا و وجود میدانهای مغناطیسی قوی در آن مرکز، یعنی «کعبه » است. خداوند بواسطه قرار دادن اعمالی خاص برای مسلمانان راه دریافت و جذب این انرژیهای بالا را برایشان گشوده و اما مدتی که طول می‌کشد تا انسان همه این انرژیها را جذب کند به اندازه زمانی است که برای هفت دور چرخیدن دور کعبه نیاز است و به این ترتیب ما به حقیقت اعمال حج پی می‌بریم شما با چرخیدن هم جهت با این انرژی در طواف خانه خدا، در واقع روح خود را در حد متعالی بالا می‌برید و به سطوح معنوی و روحانی می‌رسد که بندرت می‌توانید در سایر نقاط زمین چنین حسّی را تجربه کنید. و بدانید با هر بار چرخیدن، از لحاظ روحی شما ازیکی از طبقات آسمان عبور می‌کنید. و با این کار، به نهایت معنویت می‌رسد. درباره طواف در بین در خانه خدا و مقام ابراهیم نیز، هر جسم متحرکی که حرکت دورانی دارد، اگر شعاع کم شود، سرعت آن بطور ناخودآگاه زیادتر میشود و تمایل و تمرکز آن به سمت داخل و مرکز بیشتر میشود و در این تمرکز، صعود و عروج رخ میدهد. جهت طواف کعبه، با جهت حرکات ماه، زمین، و اکثر سیارات منظومه شمسی، همانند و منطبق است. اکثریت قریب به اتفاق هسته‌های عناصری که هستی را تشکیل می‌دهند در میدان مغناطیسی جهان، در «جهت طواف کعبه » می‌چرخند. کهکشان راه شیری که منظومه شمسی ما در آن واقع است، حدود ۲۰۰ میلیارد ستاره دارد که شکل آن تداعی کننده طواف است. حرکت نپتوتن به دور محورش، در جهت عادی مستقیم، یعنی در جهت طواف حاجیان به دور کعبه است.

هنگامی که منظومه شمسی، از نقطه ای در فضا، بطوری دیده شود که قطب شمال خورشید، در جلوی دید باشد، مشخص میشود که همه سیارات"به جز زهره و اورانوس" در یک جهت از غرب به شرق یا خلاف گردش عقربه‌های ساعت و در جهت طواف حاجیان به دور خانه خدا، به دور خود و به دور خورشید می‌گردند. جهت این گردش را در ستاره شناسی «مستقیم » می‌نامند. بر اساس تصاویر به دست آمده از میدان مغناطیسی زمین، بطور شگفت انگیزی درهر نقطه از کره زمین، هر گاه انسان رو به قبله(کعبه) بایستد میدان مغناطیسی زمین با میدان مغناطیسی بدن، منطبق شده و در حالت نماز میدان حیاتی بدن ما منظم می‌شود. در بدن انسان میلیون‌ها عصب وجود داردکه در اثر شارژ بارهای الکتریکی، در اطرافآن‌ها میدان‌های مغناطیسی تشکیل می‌شود. میدان مغناطیسی بدن از میدان مغناطیسی خارجی اثر پذیر است. برای مثال : امواج مغناطیسی نیروگاه برق، گوشی‌های تلفن همراه، وسایل برقی باعث اختلال در میدان مغناطیسی بدن می‌شود چرا که حدود ۷۰% بدن ما را آب فرا گرفته و چون مولکول‌های آب دو قطبی هستند وهنگامی در میدان مغناطیسی خارجی قرار می‌گیرند باعث به هم ریختگی نظم بدن می‌شوند. در تمام دانشجویان مؤنث ماهی یک بار، تغییر ولتاژ شدید ایجاد می‌شود و میدان مغناطیسی بدن آن‌ها به منظم‌ترین حالت خود می‌رسد به همین دلیل، نماز نخواندن زنان در ایام عادت ماهانه، ضرری از جانب زمین متوجه آنها نمی‌شود. علاوه بر عوامل خارجی، برخی عوامل داخلی نیز وجود دارند که باعث اختلال در میدان بدن می‌شوند. مهمترین آنها بارهای الکتریکی هستند که هنگام شارژ بار در اطراف عصب به وجود می‌آیند. به صورت الکتریسته ساکن در بافت‌های بدن ذخیره می‌شوند.

میدانی در اطراف این بارها به وجود می‌آید که بر میدان مغناطیسی بدن و هم بر امواج مغزی اثر سوء دارد. این آثار، بیشتر در جاهایی از بدن ظاهر می‌شوند که تحرک بیشتری دارند. از جمله این نقاط، سر و دست و پاها هستند که دقیقاً همان اجزایی هستند که در شرع مقدس ما اعضای وضو محسوب می‌شوند و بنا بر تحقیقات دانشمندان، بهترین راه دفع این بارهای زاید استفاده از ماده ای رسانا است که بهترین وارزان‌ترین و در دسترسترین آن آب است و بهترین حالت آن زمانی است که خالص باشد.

نماز و بارهای الکتریکی:

همان طور که قبلا اشاره شد، بارهای زائدی که در اثر تحریکات الکتریکی اعصاب به وجود می‌آیند شبیه میدان بدن بر امواج مغزی اثر سوء دارند. این اثرات در نواحی که اعصاب در آن تحرك بیشتری دارند، خطرات جدیتری ایجاد می‌کنند. و باید هر چه سریعتر از آن نواحی دور شوند.

به طرز حیرت آوری می‌بینیم که این نواحی، دقیقا نواحی هستند که در وضو شسته می‌شوند(سر، دست، مچ پا به پایین) و بنابر تحقیقات صورت گرفته، بهترین راه دفع این بارهای زائد، استفاده از یك ماده رساناست. سریعترین و ارزانترین و بی ضررترین ماده برای این کار، آب است. جالب این جاست که آب هر چه خالص تر باشد، سریعتر بارهای ساکن را از بدن ما به اطراف گسیل می‌دهد و هیچ مایعی مثل آب خالصی که در وضو به انسان‌ها سفارش شده این اثر را ندارد.

نماز و امواج مغزی:

با دفع بارهای زائد بدن در وضو، امواج مغزی در ایده آل‌ترین حالت قرار می‌گیرند. علاوه بر آن حالت تمرکزی که در هنگام نماز در انسان به وجود می‌آید، تشعشع امواج آن‌ها را به اندازه قابل توجهی بالا می‌برد و توانایی مغز را در تولید این امواج بالا می‌برد.

حالات نماز

۱. ایستادن در نماز:

ایستادن در نماز، باعث تقویت حالت تعادلی بدن شده و قسمت مرکزی مخچه که محل کنترل اعمال و حرکات ارادی است را تقویت می‌کند. این عمل باعث می‌شود تا فرد با صرف کمترین نیرو و انرژی به انجام صحیح حرکات بعدی بپردازد.

نماز قسمت فوقانی بدن را پرورش داده و ستون مهره‌ها را تقویت کرده و آن را در حالت مستقیم نگاه می‌دارد.

وقتی چشمها در حالت نماز ثابت می‌ماند، جریان فکر هم خود به خود آرام شده و در نتیجه تمرکز فکر افزایش می‌یابد. ثابت ماندن چشم باعث بهبود ضعف و نواقصی چون نزدیك بینی می‌شود و به لحاظ روانی باعث افزایش مقاومت عصبی فرد شده و بی خوابی و افکار نا آرام را از انسان دور می‌کند.

۲. رکوع در نماز:

تقویت ماهیچه‌های شکم، حفظ سلامت دستگاه گوارش و رفع یبوست مزمن، سوءهاضمه و بی اشتهایی از خواص رکوع در نماز است.

کارشناسان می‌گویند در حالت رکوع ماهیچه‌های اطراف ستون مهره‌ها منبسط می‌شود که در تعادل و آرام کردن سمپاتیك موثر است.

مدت زمان خواندن ذکر رکوع نیز باعث تقویت عظلات صورت، گردن، ساق پا و رانها می‌شود و به این ترتیب به جریان خون در قسمت‌های مختلف بدن سرعت می‌بخشد. تنظیم متابولیسم بدن، فراهم نمودن زمینه از بین رفتن اکثر بیماریها از بدن، کمك به افزایش حالت استواری و استحکام مغز از دیگر خواص رکوع در نماز است.

۳. سجده در نماز:

سجده، ستون مهره‌های بدن را تقویت کرده و دردهای سیاتیك را آرام می‌کند. سجده علاوه بر از بین بردن یبوست و سوءهاضمه، پرده دیافراگم را تقویت کرده و به دفع مواد زاید بدن به دلیل فشرده شدن منطقه شکمی کمك می‌کند. سجده همچنین باعث افزایش جریان خون در سر شده، که این امر با تغذیه غدد باعث حفظ شادابی، زیبایی و طزاوت پوست می‌شود.

حالات سجده به واسطه باز کردن مهره‌ها از یکدیگر، باعث کشیده شدن اعصابی که قسمت‌های مختلف بدن را به مغز وصل می‌کنند شده و این اعصاب را در یك حالت تعادلی قرار می‌دهد که این امر برای سلامت انسان بسیار حائز اهمیت است.

اگر فاصله مهر از نمازگزار به اندازه حدودا یك وجب جلوتر از حالت معمولی باشد، کشش بیشتری در کمر حس می‌شود که باعث مداوای کسانی که دیسك و یا ناراحتی کمر دارند می‌شود. و اگر کسی که سالم است این کار را انجام دهد، هیچ گاه دچار دیسك و ناراحتی کمر نمی‌شود.

سجده باعث آسودگی و آرامش در فرد شده و عصبانیت را تسکین می‌دهد. سجده قدرت درك و فهم را زیاد می‌كند. در سجده به پیشانی ما فشار می‌آید و باعث می‌شود که کاملا روی پیشانی متمرکز شویم (اگر در این حالت به نوك بینی مان نگاه کنیم، خود به خود به پیشانی فشار می‌آید) و این امر اگر با دقت و تمرکز زیاد صورت گیرد، بعد از مدت طولانی سبب بیداری چشم بصیرت شخص می‌گردد.

يكي از فوايد ظاهري نماز و سجده‌هاي طولاني در نماز شب پيشگيري از بروز بيماري آرتروز است، زيرا حركات فيزيكي ويژه يي را انجام مي‌دهد، در نماز نافله‌ي شب چون فرد در دل شب از خواب بيدار مي‌شود و سد استراحت طولاني را در بستر نرم و راحت مي‌شكند و حركات فيزيكي نماز را انجام مي‌دهد، جلوي ابتلاء به آرتروز گردن و كمر را مي‌گيرد.

در سجده‌هاي مستحبي طولاني به دليل اينكه دستها از آرنج تا كف دست روي زمين قرار مي‌گيرد و شكم به سمت پايين كشيده مي‌شود و پيشاني و گونه‌ها در چند جهت روي مهر يا زمين قرار مي‌گيرد، شرايطي ايجاد مي‌شود تا از بروز آرتروز مهره‌هاي گردن و كمر جلوگيري گردد.

از طرفي وقتي پيشاني به مدت طولاني روي مهر يا روي زمين قرار گيرد بدن حالتي پيدا مي‌كند كه بارو رسپتورهاي (Baroreceptor) جدار آئورت و جدار عروق كاروتيد گردن در اثر برخورد ستون خون تحريك شده و ازطريق ايجاد سيگنال‌هاي عصبي مانع افزايش فشارخون در فرد نمازگزار مي‌شود، از سوي ديگر در سجده‌هاي مستحبي طولاني، اگر در قوس شريان آئورت كلسيم به تازگي رسوب كرده باشد، آن را از جا مي‌كند ومانع آهكي شدن يا كلسيفيه‌شدن (Calcifie) جدار قوس آئورت مي‌شود.

از برخی احادیث استفاده می‌شود که سمت چپ، نماد دشمنی و مخالفت با ولایت اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌شود، مانند این حدیث که که در ذیل آیه «هُمْ أَصْحابُ الْمَشْأَمَةِ» (سوره بلد، آیه ۱۹) بیان گردیده که می‌فرماید: «الْمَشْأَمَةُ أَعْدَاءُ آلِ مُحَمَّد: اصحاب شمال، دشمنان آل محمّد علیهم السلام هستند» (تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۲۳) و نیز روایت شده است که رسول خدا خطاب به نقض‌کنندگان عهد فرمودند: «أَخَذْتُمْ بَعْدِی ذَاتَ الشِّمَالِ وَ ارْتَدَدْتُمْ عَلَی أَعْقَابِكِمْ الْقَهْقَرَی: شما بعد از من به‌سمت چپ منحرف شده و با سیر قهقرایی، به بینش قبل از هدایت خود بازمی‌گردید.» (امالی، شیخ طوسی، ص ۹۴)

این گزارش در ادامه ابراز می‌کند: برخی دیگر گفته‌اند که علت آن که سمت چپ باید به‌سمت کعبه باشد آن است که طواف ملائکه در بیت‌المعمور به‌سمت چپ است یا به این دلیل است که گردش اجزای تمام اشیا و اجرام آسمانی به‌سمت چپ است و یا این که جهت طواف به‌سمتی است که قلب انسان در آن سمت است؛ چون کعبه قلب زمین است

تمام اینها از نظر علم فیزیک قابل اثبات است. در نیمکره شمالی که خانه خدا واقع شده است وقتی هر ذره یا جسمی خلاف جهت عقربه‌های ساعت بچرخد، پنج نیرو به آن وارد می‌شود که جمع این نیروها و انرژی‌ها به سمت داخل است. در بحث طواف هم همین است، ذرات در اینجا انسان‌ها هستند و مجموع این نیروها نیز به سمت مرکز که همان خانه خداست هدایت می‌شود.

اگر در طواف، چرخش به سمت راست انجام می‌شد در علم فیزیک آمده است که گریز از مرکز رخ می‌داد و طبق قانون فیزیک ذرات که در اینجا انسان‌ها هستند به سمت بیرون پرتاب می‌شدند و نیروی آنها به سمت مرکز که همان خانه خداست هدایت نمی‌شد.

بیشتر کهکشانهای مارپیچی توده ای مرکزی وکروی از ستارگان پیر با نام‌هاله دارند ساختمان مارپیچی یا ناشی از حرکت توده‌های چگالی در میان ستارگان وگاز وغبار صفحه‌ی کهکشان باشد ویا ناشی از حرکت تفاضلی چرخشی در میان نواحی ابرهای تولید کننده ستاره‌ای باشد کهکشان‌های مارپیچی ممکن است یا بصورت بازوهای (مثلا"۲ تا ۴ عدد بازو) به شکل مارپیچی آشکار باشند ویا نشانه‌هایی از مارپیچی بودن به همراه داشته باشند. بیشتر کهکشانهای مارپیچی دارای حداقل میله ای کوچک در میان توده کروی شکل مرکزی هستند که در صفحه اصلی کهکشان قرار دارد در رده بندی کهکشانی‌هابل کهکشان‌های مارپیچی به چندین زیر رده تقسیم شده‌اند بیشتر این کهکشان‌ها دارای توده‌های بزرگ گازی و نواحی فعال در تولید ستاره‌های جدید هستند.

محدوده جرم کهکشان‌های مارپیچی بین یک میلیارد تا هزار میلیارد برابر جرم خورشید است قدر مطلق آن‌ها در نور آبی نیز بین ۱۶- تا ۲۳- می‌باشد. قطر کهکشان‌های مارپیچی نیز بین ۱۵۰۰۰ تا ۳۲۰۰۰۰ سال نوری متفاوت است علت درخشندگی و آشکار بودن بازوها این است که آن‌ها محل تولد ستاره‌های جدید داغ و آبی هستند و اگر در طول موجهای ماوراءبنفش از آن‌ها عکسبرداری شود بازوها بسیار درخشنده مشاهده خواهند شد در عوض هسته این کهکشان‌ها قرمز دیده می‌شود که خود ناشی از وجود ستاره‌های پیر در نواحی مرکزی می‌باشد.



طواف آسمانی اجسام فضایی بر گرد عرش

در ساختاربندی اصلی نظام کهکشان نوری در مرکز مدار قرار دارد و سیارات و ستارگان و موجودات هوشمند در حاشیه و اطراف آن در حال گردش و سیر منظم و انجام یک‌سری برنامه‌های از پیش تعیین شده هستند. نور میدانی موجود در قلب نظام کهکشان طبیعتی چون حالت آهن‌ربا و یک‌سری سلسله ارتباطات متصل و نامرئی با مشتقات موجود در اطرافش دارد و مخلوقات بی‌اختیار مانند سیارات و ستارگان امر به فرمان‌برداری در مقابل نور الهی هستند و موظف می‌باشند تا هم‌چون طواف حاجیان کعبه بر قلب کهکشان و بر آن نور مشخص گردیده گردشی منظم و با دستورات از پیش تعیین شده مسیر خود را سپری نمایند



طواف آسمانی اجسام فضایی بر گرد عرش

بسیاری از نشانه‌های آسمانی با مخلوقات و اساس قانون الهی بر روی زمین شباهت‌های تنگاتنگی دارند همان‌طور که نور الهی و جایگاه طواف موجودات و مخلوقات بزرگ آسمانی قلب آن است در زمین هم قلب و نقطه مرکزی کره دایره‌ای شکل و البته تخته ما بر اساس محاسبات مفصل و طولانی دانشمندان خانه کعبه محل عبادت قدرت اول نظام کیهانی توسط ارواح انسانی می‌باشد. در روایات و آیات قرآن هم ذکر گردیده که بر اطراف و محیط پیرامون عرش فرشتگان مقرب درگاه خدا حلقه می‌زنند و به جهت اطاعت امر پروردگار طواف می‌کنند تا به سرآمد معین و اصلی کائنات دست پیدا کنند



همان‌طور که ذکر شد نیروی قرار گرفته شده در کالبد آدم وابسته به مغناطیس و بارهای الکترونیکی مثبت و الهی‌ست و برای داشتن حیات روحانی و زندگی سالم و مبراء از هر گونه بیماری و آلودگی و خستگی و احساس منفی باید در جهت نقطه مرکزی و قلب آسمانی زمین قرار بگیرد و آن را با کلمات و جملات مشخص و گنیجه رموز تقدس ذات اقدس اللّٰه ذکر گرداند. اذکاری که از سوی والامقام‌ترین مخلوقات به بشر رسیده در واقع هویت اصلی آنان به مانند یک رمز و یک کلید برای بازگشایی دروازه‌ها و درهای امتیازات و پاداش‌های معین شده از سوی آفریدگار گیتی است.
امیدواریم که بیشتر و بهتر از قبل به اسرار اذکار و ادعیه‌ها پرداخته شود و به صورت مفصل برای آنان پژوهشاتی ارائه گردد

نقطه آخر تمامی اندیشه‌ها، تفکرها، آرزوها، امیدها، لذت‌ها، عشق‌ها، معرفت‌ها، گفتگوها، علم‌ها، عبادت‌ها، پیشرفت‌ها، بودن‌ها، سختی‌ها، آسانی‌ها، شادی‌ها، گریه‌ها و... چیزی جزء رسیدن به ماورای آسمان‌ها و در نهایت عرش الهی نیست. زمانی که انسان از تاریکی دنیا فاصله بگیرد و به دریای نور وصل گردد تمام تاریکی و سیاهی زندگی دنیا برای او قابل فهم و دید خواهد شد و در یک وزن تفکر بی‌ارزش و اندک خواهد گردید و در واقع دنیا را جزء چیزی تعفن و کثیفی نمی‌بینند. ما جمعیت انسانی روی زمین از جانب ۱۴مدار قدرت خلقت فرمان گرفته‌ایم که از آلودگی‌های زمین فاصله بگیریم و لیاقت آن‌را داشته باشیم تا از ریشه حالات و شگفتی‌های ملکوت جاودان الهی را مشاهده کنیم و طعم حیات‌بخش و لذت واقعی رحمت و جلال و کبریاء خداوند را با وجودی خالصانه و رهنمودی عاشقانه بچشیم و در مسیر آن با توجه به مبراء بودن از هر آلودگی و سیاهی بر فراز آسمان‌ها و عرش بزرگ با شوری مدبرانه پروازی تمناگرایانه کنیم و سیر خود را کامل بگردانیم

پروردگارا ما برای کم‌ترین‌ها و برای بدترین‌ها به خود و دیگران و در نهایت به روی گسترده‌ات ظلم و جسارت کردیم و خود خواستیم تا ابد در کوری و سیاهی زندگی پر از حسرت و پایان‌ناپذیر دنیا باقی بمانیم و از همه بیشتر به خود ضرر رساندیم و تنها خود را فریب دادیم و به خود صدمه وارد کردیم در واقع می‌توانستیم هر چه سریع‌تر از مرداب مرگ و هلاکت کننده آن خویش را رها کنیم و به شور و هیجان ابدی عشق تو برسیم و در دریای نور تو غرق باشیم. زندگی دنیا هر روز با یک جلوه و با یک مزه‌ای در برابر ما ظاهر شد و ما را به مسیرهای خالی از حقیقت تو کشاند و گام به گام و اندک و اندک و قطره به قطره از تو دور دورتر شدیم و عذاب را بر خود واجب کردیم و ما خود خواستیم بسوزیم و پاره پاره شویم و از قلب آتش بگیریم و ذلت را نصیب خود کنیم. اما در نهایت می‌توانستیم با نزدیک شدن و گام برداشتن در راستای مسیر و حرکت تو به پادشاهی ابدی و بزرگی دست پیدا کنیم و از ذلت و خواری به عزت و ارجمندی برسیم و سعادتمند واقعی درگاه تو باشیم